

به نام خدا

جوجه قمری تنها

(مجموعه داستان برای کودکان)

نویسنده: رامین جهان پور



ناشر: شرکت توسعه‌ی کتابخانه‌های ایران

۱۳۹۱

سر شناسه: جهان پور، رامین، ۱۳۵۱
عنوان و پدید آور: جوجه قمری تنها (مجموعه داستان برای کودکان)/ نویسنده: رامین جهان پور
مشخصات نشر: تهران، شرکت توسعه کتابخانه های ایران، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۴۲ ص، مصور: ۱۴/۵، ۲۱/۵ س م
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۹۰-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

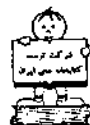
موضوع: داستان های نوجوانان

موضوع: داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۱ PIR ۱۳۹۱ ۳۹ ۲۸۴۸۴ /

رده بندی دیویی: ۲۲/۶۲ تا ۸ [ج]

شماره کتابخانه ملی: ۲۶۸۸۲۲۱



به نام خدا

نام کتاب

: جوجه قمری تنها

ناشر

: شرکت توسعه کتابخانه های ایران

نویسنده

: رامین جهانپور

طراح

: زیبا ارژنگ

چاپ اول

: تابستان ۱۳۹۱

چاپ

: چاپخانه فراین

تیراژ

: ۱۰۰۰ جلد

آدرس

: تهران، خیابان شریعتی، خیابان خواجه عبدال

انصاری، ابوذر جنوبی، کوچه نهم، پلاک ۳، طبقه اول

تلفاکس

: ۲۲۸۶۶۲۶۷ - ۲۲۸۶۵۸۳۲، تلفن: ۷۷۶۳۷۷۸۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۹۰-۶

ISBN: 978-964-5760-90-6

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

فهرست

- ۵ جوجه قمری تنها
۹ راغ
۱۲ ماهی
۱۵ روباه شکمو و خروس خوش آواز
۱۹ کتاب فروش
۲۳ بچه گربه‌ای که تی تاب می‌خورد
۲۶ روز اول مهر
۳۰ پروانه‌ها
۳۴ لحظهٔ تحویل سال
۳۹ کتاب‌های خاله نرگس

جوجه قمری تنها

صبح شده بود. سارا کوچولو با صدای مادر از خواب بیدار شد. باید به مدرسه می رفت. بابا زودتر از او به سر کار رفته بود. سارا مثل همیشه دست و صورتش را شست. صبحانه را کنار مادرش زود خورد و کیف مدرسه اش را در دست گرفت. مادر کفش کرد تا کاپشن و لباس های مدرسه اش را بپوشد. هنوز از اتاق بیرون نرفته بود که مادر گفت: «سارا جان هوا خیلی سرد شده، مواظب باش یک رقت سرما نخوری.» سارا گفت: «باشه مادر.» و از حیاط به کوچه رفت. بیرون هوا سرد بود. سارا کوچولو از حیاط گذشت و وارد خیابان خلوتی شد که به مدرسه شان می رسید. خانه اش نزدیک مدرسه بود سارا زودتر از دوستانش به دبستان می رسید. همان طور که سرش را پایین انداخته بود و توی خیابان راه می رفت، یکدفعه چشمش به پرندۀ قشنگی خورد که روی زمین نشسته بود. سارا با دیدن پرندۀ یادش آمد که اسمش «قمری» است. همان قمری های قهوه ای رنگ که همیشه پشت پنجره اتاقش روی دیوار می نشستند و سارا برایشان دانه می ریخت. خیلی دوست داشت یکی از آن قمری ها را که به حیاطشان می آمدند، توی خانه داشته باشد و